



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حرف اول

یادی از بهار آزادی

نخستین شماره یاد در جشنهای پیروزی انقلاب - بهمن ۶۴ - در صفحه مطبوعات جمهوری اسلامی ایران حضور یافت؛ و یادآوران به عمد، بهار آزادی را بیش از بهار طبیعت بها دادند و سال را با آن آغاز کردند.

خدای را سپاس که اینک یاد-که خود از شکوفه‌های بهار آزادی است - چهارمین سال حیات خویش را پس پشت نهاده و گام در سال پنجم می‌گذارد؛ و چگونه می‌توان در این شماره بی‌یادی از آن بهاران خرم، آغاز سخن کرد؟ بهمن خونین و بهار آزادی در انقلاب اسلامی ایران، دو روی سکه‌ای را مانده‌اند؛ چرا که آزادی به بهای خون فرا چنگ آمد و دیدیم که با آن راستی را که زمستانمان بهار شد و بی‌آن تمامی بهاران خرم جز از زمستانهای سرد و سوزان نبودند.

بهار طبیعت زیباست، اما فراموش نکرده‌ایم که به ۲۲ بهمن ۵۷، در برابر شکوه و خرمی بهار آزادی چنان رنگ باخت که گویی گستاخی عرض اندامی اش نمانده بود. بهمن ۵۷ را می‌گوییم که در طنین «الله‌الله لاله‌الاله» و صفیر گلوله‌ها، پیام آزادی گوشه‌ایمان را نواخت و در افق سرخ شهادت، سپیده‌دم آزادی چشمانمان را روشنی بخشید.

نسل انقلاب اسلامی، در آن دهه خجسته - که به حق دهه فجر نام گرفت - به ویژه در واپسین ساعتهای آن، لحظه‌هایی را تجربه کرد که گویی در فراسوی زمان جای دارند و جاودانگی را به نمایش می‌گذارند؛ و بیان و قلم در وصف آن همان‌گونه درمانده‌اند که در توصیف ابدیت!

اینک اولین بهار آزادی است که شکوفه‌های آزادی را گرد یتیمی پوشانده

است؛ و این اولین جشن پیروزی انقلاب است که در مراسم آن باید غبار غم را با اشک حسرت از چهره جان زدود.

و پاسداری از آزادی بی «او» مسؤلیتی است که بر دوش خیل فرزندانش سنگینی می‌کند؛ چرا که تا «او» بود جای نگرانی مان نبود، حتی اگر چند صبحی به دلیل یا بهانه پاسداری از استقلال، از آزادی چشم می‌پوشیدیم؛ که «او» مظهر فریاد بود و در طنین فریادش اهریمن را یارای پیشروی نبود. فریادهای آن فریادگر، سکوت مصلحت را تا حدی جبران می‌کرد و همواره دژی بود از بیم و هراس، در برابر کج اندیشان و بداندیشانی که به هر دلیل - عهده‌دار مسؤلیتهایی بودند... اما امروز، آیا بی «او» و بی آن فریادها، باز می‌توان گفت به‌خاطر مصلحت نظام همچنان باید در خموشی زیست؟

ریاست محترم جمهوری مان در مراسم تحلیف، اشاره‌هایی به ضرورت آزادیهای سیاسی داشتند و وعده‌هایی فرمودند؛ اما بی‌گمان تحقق آن وعده‌ها را به تدبیر و تلاش بسیار نیاز است و مردم ما را تجربه‌های تلخی از بی بند و باری و عنان گسیختگی و... به نام آزادی است. نفرین خدا و خلق خدا بر خلق ستیزان و حق‌گریزانی که به نام حمایت از خلق، فضای روشن بهار آزادی مان را تیره و تار کردند و زمینه‌های محدودیت را فراهم ساختند.

اینک بار دیگر بهار آزادی را باید به یاد آورد و ضرورت تنفس در فضای آزادی را یادآور شد که آزادی اندیشه رمز شکوفایی خرد، و آزادی بیان راز عدالت اجتماعی است:

برای کسانی که نیازمند مراجعه به تواند، بخشی از وقت خود را آزاد بگذار که شخصاً آماده پذیرفتنشان باشی و در جلسه‌ای همگانی با آنان حضور یابی؛ پس برای همان خداوندی که تو را آفریده است، فروتن باش و به نیروهای مسلح خویش از تیره‌های نظامی و انتظامی، اجازه حضور مده، تا سخنگوشان بی هیچ لرزش و لکنتی، به روشنی کامل با تو سخن بگویند که من از رسول خدا شنیدم که بارها و بارها می‌فرمود: هیچ امتی که در آن با صراحت و بی‌لکنت، حق ناتوان از زورمند بازگرفته نشود، روی پاکیزگی نخواهد دید!

می‌بینیم که در سخن پیامبر خاتم، بر آزادی بیان به عنوان رمز پاکسازی

جامعه از ستم و راز عدالت اجتماعی، چونان اصلی مسلم تأکید شده است و این تأکید - آن گونه که مولا (ع) به مالک اشتر گوشزد می فرمایند - چندان مکرر بوده که باید در شمار تکیه کلامهای آن بزرگوارش دانست.

در اینجا باید به پاسخ این پرسش اندیشید که آنچه در این گونه سخنان مورد تأکید قرار گرفته است، چگونه می تواند به کار گرفته شود. بی شک آزادی بیان در آن روزگار برای حاکمان عدالتخواه معمای نبوده است و پیچیدگیهایی که امروزه جلب توجه می کند، تا حدود زیادی به ویژگیهای عصر سیطره تکنولوژی مربوط است؛ و مردم ما نیز بیش از گذشته با مشکلات سیاست آشنا شده اند و در کوره حوادث انقلاب نه پخته، که گذاخته شده اند. بنابراین نه کسی ساده اندیشانه آزادی را ارزش مطلق می کند که قربانی کردن همه چیز را به خاطر آن پیشنهاد کند؛ و نه شتابزده فضای آزاد مورد انتظار را یک روزه طلب می کند. آری، سخن این نیست که چرا آزادی در تمامی ابعاد تحقق نیافته است؛ سخن این است که برای این مهم کدام گام اساسی برداشته شده است.

فاش می گویم: مشکلات دست یافتن به آزادی برای مردمی که قرنها در اختناق زیسته اند، از نگاه ژرف اندیشان، پوشیده نیست؛ اما تأخیر در شروع مطالعات اساسی، توجیه خردپذیری ندارد. امید که مردم ما به زودی شاهد تلاشی گسترده در این زمینه باشند.

عبدالمجید معادبخواه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی